

نشریه حوزه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها)

ویژه دهه کرامت

- نحوه نوشتن چکیده
- بررسی تاثیر قلم بر زندگی انسان از منظر قرآن و حدیث
- انواع تحقیق
- نکات کلیدی جهت انتخاب موضوع
- بررسی تاریخی آیه مباهله و بازتاب آن
- گزارش از فعالیتهای پژوهشی مدرسه
- گزارش از فعالیت های فرهنگی مدرسه



بیتنا للدراسه العلمیه

گاهنامه علمی - پژوهشی

شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۹

ندای زینب

■ صاحب امتیاز: مدرسه علمیه حضرت زینب (س)

■ مدیر مسئول: زینب حمید

■ سردبیر: سیده حکیمه موسوی

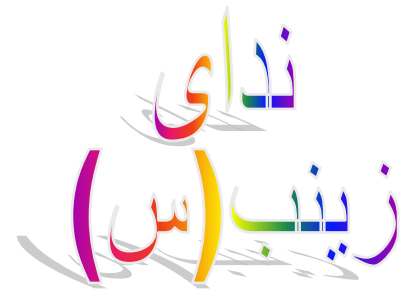
■ هیئت تحریریه: سیده حکیمه موسوی، امیره دارم، فهیمه موسوی، سلوه ساوکی

■ صفحه آرائی: سیده حکیمه موسوی

● نشانی: خوزستان - شهرستان امیدیه - روبروی بازار مهاجرین - جنب رستوران تشریفات

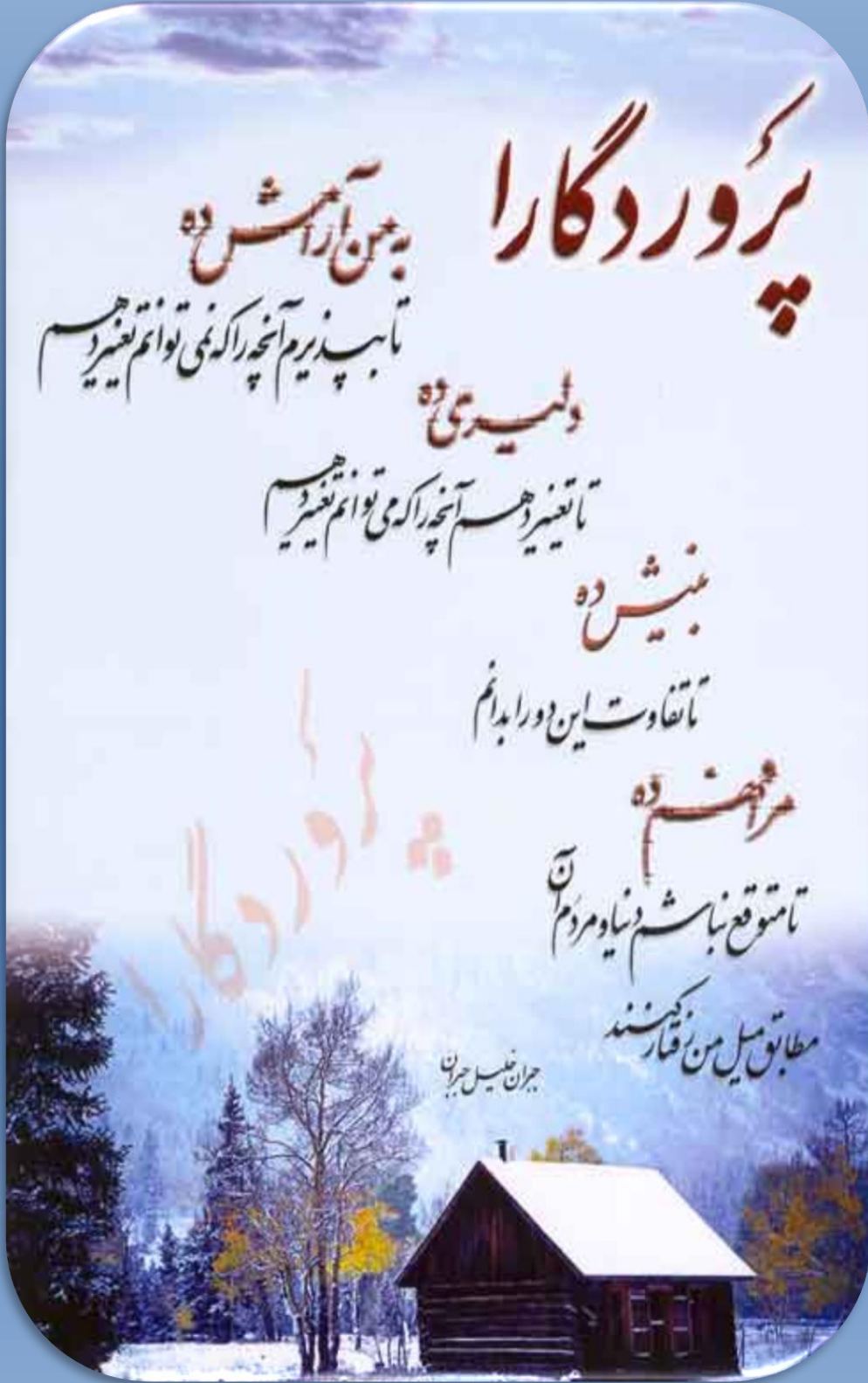
● صندوق پستی: ۸۳۴۵۷-۶۳۷۳۱


● تلفن: ۰۶۱-۵۲۶۲۰۳۳۰



فهرست مطالب

- ۱..... مناجات نامه
- ۲..... سخن سر دبیر.....
- ۳..... نحوه نوشتن چکیده.....
- ۶..... بررسی تاثیر قلم بر زندگی انسان از منظر قرآن و حدیث.....
- ۱۳..... انواع تحقیق.....
- ۱۵..... نگاهی کوتاه به اندیشه شهید بهشتی.....
- ۱۶..... معرفی کتاب بحار الانوار.....
- ۲۱..... انتخاب موضوع خوب برای مقاله.....
- گزارش تصویری از فعالیت های پژوهشی سال تحصیلی نیم
سال دوم ۱۳۹۸-۱۳۹۹..... ۲۲
- ۲۳..... میلاد حضرت معصومه(س).....
- ۲۵..... جایگاه و منزلت احمد بن موسی بن جعفر(ع).....
- ۲۸..... امام رضا(ع) نمونه فضیلت و کرامت.....
- گزارش تصویری از فعالیت های فرهنگی سال تحصیلی نیم
سال دوم ۹۸-۹۹..... ۲۹





السلام عليك يا بنت رسول الله

نسیم سحری، جان مایه عشق را به گستره خاک بخشید. آبشاری از نور، از
خنده های شادمانه خورشید به میهمانی زمین آمد.

هوا عطرآلود و عنبر آمیز شد. جای شور و سرور، در کوچه های شهر مدینه،
حکایت از خبری تازه داشت....

گلخنده خنده های آسمان و زمین و زمزمه های شور انگیز بلیان شیدا به
گوش می رسید، و نرنم شکفتن نو گلی معطر در باغستان توحید، دل ها را
مفتون و مجذوب خویش ساخته بود....

آری ، در اول ذیقعدہ ، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به صفحه گیتی
قدم نهاد و با خود، صفا و زیبایی و پاکی را به ارمغان آورد
بزرگ بانویی که در تاریکی ها درخشید و همه جا را روشن کرد....

✚ میلادش مبارک

تعریف چکیده

گزارش اجزاء و گزیده داده ها به وسیله افعال

اسنادی (نه پردازشی) برای آگاهی خواننده به

محتوای مقاله (حدود ۲۵۰ کلمه)

در چکیده به صورت مختصر توضیح داده می شود

که در مقاله به چه عناوینی پرداخته شده و از آن

مهمتر گزیده ای از داده ها (اطلاعات مقاله را در

قالب محتوا گزیده آن باید در چکیده آورده شود.

پس در چکیده نباید فقط گزارش داده شود که

مثلا من این عنوان و این و این پرداخته ام) در

چکیده در حد ۱ الی ۲ خط گزارش اجزاء است.

اما مهمتر از گزارش اجزاء گزیده داده ها بیان

نتایج و دستاوردهای مقاله است. افعال چکیده

اسنادی و با(است و نیست) می باشد. زیرا چکیده

گام پایانی مقاله است. (هیچ گاه از افعالی مانند

خواهیم پرداخت ، می پردازیم، بررسی خواهیم

کرد استفاده نمی کنیم) حجم چکیده یک مقاله

باید حداکثر ۲۵۰ کلمه باشد.

نتایج و دستاوردهای مقاله را حداکثر در ۴ الی ۵

خط نوشت.

۱. اجمالی از اهمیت موضوع و تصریح به

عنوان مقاله

در دو سطر اول چکیده که بفاصله بعد از آن

عنوان مقاله آورده می شود. برای مثال اگر مقاله

ای با عنوان تبیین و بررسی رابطه تول با توحید

و شرک داشته باشیم در ابتدای چکیده - تقریبا

حدود سه خط چنین می نویسیم:

یکی از مسائل مهم در حوزه اعتقادات شیعه و

اهل تسنن موضوع توحید و شرک است که

مسائلی از قبیل توسل هم از طریق دشمنان

شیعه شبهاتی در مورد توسل و ارتباط با شرک

بیان شده عنوان این مقاله تبیین و بررسی

رابطه توسل با توحید و شرک است.

۲. اشاره به روش تحقیق و شیوه گردآوری

مطالب

شیوه عمومی مقالات شیوه پردازش اطلاعات

مقاله توصیفی و گزارشی است. (صرفا محتوا را

جمع آوری کرده و توصیفی و گزارشی است اما

اگر علاوه بر جمع آوری به تحلیل داده پردازد

شیوه آن توصیفی تحلیلی است).

به این صورت می نویسیم:

بحث حکومت مهدوی از مباحث مهم و اعتقادات شیعه است عنوان این مقاله ویژگی های حکومت امام مهدی(عج) از منظر قرآن است. روش تحقیق این مقاله نقلی و حیانی و یوه جمع آوری آن

۳. اشاره گذرا به عناوین اصلی مقاله و زیر شاخه های آن

در حد ۲ خط تا خواننده را از ساختار مقاله آگاه کند.

۴. بیان فشرده نتایج و یافته ها و

دستاورد های تحقیق

نتایج تحقیق به صورت خیلی گذرا در حدود ۴ الی ۵ خط (نظرات دیگران و نظر محقق) برای مثال اگر مقاله ای با عنوان ویژگی های حکومت مهدوی از منظر قرآن داشته باشیم .

الف) اهمیت موضوع

ب)عنوان مقاله

ج) روش تحقیق

د) شیوه جمع آوری مطالب

ه) عناوین و زیر کتابخانه ای است. عناوین اصلی ان مقاله عبارتند از حاکمیت در جامعه ، حاکمیت توحید و حکومت جانی ایشان است . این حکومت یک سری ویژگی های ایجابی مانند : توحید بودن، امنیت داشتن، برقراری عدالت و داری ویژگی های سلبی

مانند عدم ترس، نبود شرک ، نبود اختلاف است.

سه راهکار برای بدست آوردن نتایج

چکیده:

۱. مطالعه و بازخوانی متن نهایی و شناسایی هسته و پوسته متن تحقیق به عنوان کسی که می خواهد ارزیابی مقاله انجام دهد. از اول تا آخر مقاله را مطالعه می کند و متوجه می شود یک سری از مطالب مقدمه ای برای مت اصلی مقاله هستند.

۲. تمرکز برجسته و نشانه گذاری جملات کلیدی و بنیادی را نشانه گذاری می کنید.

۳. ایجاد انسجام و پیوند میان جملات کلیدی و بنیادین.

گام پایانی چکیده

واژگان کلیدی گام پایانی چکیده است و هدف از بیان واژگان کلیدی دسترسی آسان و سریع خوانندگان به محتوای مقاله.

نکات

نکته البته باید فرق بین واژگان کلیدی و کلید واژ را دانست زیرا کلید واژه برای محقق که در قسمت ابتدای مقاله در بخش مفهوم شناسی آورده می شود اما واژگان کلیدی در قسمت

پایانی مقاله نوشته می شوند و برای دسترسی سریع خوانندگان به محتوای مقاله می باشد. برای مثال اگر موضوع مقایسه‌ی ویژگی‌های حکومت امام مهدی (عج) از منظر قرآن باشد.

کلید واژه آن:

ویژگی، حکومت، امام مهدی

واژگان کلیدی:

علم لدنی امام، عصمت امام، ولایت تکوینی است که این کلمات در عنوان دیده نمی شوند اما در متن مقاله زیاد از تکرار شده اند. (اگر خواننده بخواهد از طریق عنوان جستجو کند به آنها دست پیدا نخواهد کرد؛ اما از طریق واژگان کلیدی می تواند به اینها دست پیدا کند.) (واژگان کلیدی ددر چکیده مد نظر می باشند نه کلید واژه).

منبع:

فیلم آموزشی مهارهای پژوهشگری آقای احسان ابراهیمی.

گزارش اجزاء و گزیده داده ها به وسیله افعال

اسنادی (نه پردازشی) برای آگاهی خواننده به

محتوای مقاله

بررسی تاثیر قلم بر زندگی انسان از منظر

قرآن و حدیث

مقدمه

قلم، از منظر قرآن، سمبل تفکر و آگاهی بشر است و آنقدر مقدس است که خداوند بدان قسم یاد نمود. اولین چیزی که خداوند خلق کرد، «قلم» بود. زبان (بیان) با گذشت زمان کهنه می شود و ماندگار نیست، اما قلم می تواند باعث ماندگاری و بقا گردد. اصولاً آن چه فرهنگ انسان ها را تا به امروز باقی نگه داشته و موجب تعالی و رشد تمدن ها و فرهنگ ها گردید، عمدتاً «قلم» بوده است. اقتدار و تداوم دین بر دو اصل «قلم و شمشیر» استوار است. زمانی که جنگجویان به شمشیر خویش قسم می خوردند و بدان افتخار می کردند، برای نویسندگان و اهل قلم همین افتخار بس که خداوند به قلم آنان سوگند یاد کرده است. در این نوشتار مختصر برآنیم که جایگاه «قلم» را در آموزه های اسلامی مورد بررسی قرار دهیم.

نقش قلم در زندگی انسان

یکی از مسائل مهم و ارزنده ای که هیچ ملتی - که به حیات و بقاء و تکامل خویش علاقه مند است - نمی تواند از آن غفلت نماید، مسئله نویسندگی است. زیرا نویسندگی هنری است که مادر بسیاری از هنرهای دیگر محسوب می شود. و از این جهت که فن و هنر است، نقش بسزایی در رشد و تعالی افراد و جوامع دارد و زمینه ای برای هنرهای دیگر به شمار می رود. یکی از مهم ترین رویدادهای زندگی بشر، پیدایش خط بوده است؛ که نیات و منویات ارزشمند و یا بی ارزش بشر را ثبت نموده و برای آیندگان به یادگار گذاشته است. قلم، سرچشمه تمدن های بشری و منشأ پیشرفت و تکامل علوم، و بیداری اندیشه ها و افکار و شکلگرفتن مذاهب، و منشأ هدایت و آگاهی بشر بوده است، بدان حد که دوران زندگی بشر با پیدایش قلم (خط) به دوران «تاریخی» و دوران «ما قبل تاریخ» تقسیم می شود. دوران تاریخ زندگی انسان از زمان اختراع خط آغاز می شود؛ زمانی که انسان توانست ماجرای زندگی اش را بر صفحات نقش نماید و سطوری بر صفحه کاغذ و شبیه آن به یادگار گذارد.

قلم، حافظ علوم و معارف، پاسدار افکار

اندیشمندان، حلقه اتصال فکری علما، و پل ارتباطی گذشته و آینده است، و حتی ارتباط آسمان و زمین نیز از طریق لوح و قلم حاصل شده است.

قلم، ابزاری است که انسان های جدا از هم - از نظر زمان و مکان - را پیوند می دهد؛ به طوری که گویی

همه متفکران اعصار گذشته را، که در تمام نقاط

زمین به سر می برند، در یک کتابخانه عظیم، جمع می بینیم.

قلم در آینه آیات قرآن

در عظمت و شأن قلم همین بس که در قرآن کریم، سوره ای به آن اختصاص داده شده و خداوند متعال به قلم و آثار قلم و سطرها و کلماتی که از نوک قلم بر صفحه کاغذ نقش می بندد، سوگند می خورد؛ «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»^۱، و سوگند به قلم و آن چه می نویسند».

آن چه در این جا بدان سوگند یاد شده است، ظاهراً موضوع کوچکی است: یک قطعه نی، و یا هر چیزی شبیه به آن، و کمی ماده سیاه رنگ، و سپس

سطرهایی که بر صفحه کاغذ ناچیز رقم زده می شود. اما آن چه که باعث عظمت قلم و نگاشته های قلم است، سوگندی است که خداوند بدان خورده

^۱.سوره قلم، آیه ۱.

؛ زیرا در قرآن کریم خداوند متعال همه جا به مظاهر عالم وجودی که خود خلق فرموده، قسم یاد می کند، مانند: عصر، شب، فجر، خورشید، ماه و...

این ها همه مظاهر آفرینش اند، گردش منظم شب و روز، آفتاب و باران، آسمان و ستارگان، همه و همه، اهمیت دارند و در جهان عظیم خلقت نقشی ایفا می کنند و در زندگی انسان که گل سرسبد آفرینش است، تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارند، قلم نیز یکی از آن مظاهر هستی است.

این آیات شریفه، به روشنی، جایگاه قلم را در میدان تعلیم و تعلم بیان می کند. از جمله نکات در خور توجه در این آیات شریفه این است که:

-عبارت «و رِبِّكَ الْاَكْرَمِ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» یعنی

تریت، پرورش و تکامل، در سایه صفت ربوبیت پروردگار، نسبت به «قلم» به کار رفته است، و قلم جهت بر طرف کردن جهل بشر، ابزار تعلیم گردیده است.

«عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم» یعنی همان خدایی که به

وسیله «قلم» انسان را تعلیم داد و به او آن چه نمی

دانست آموخت، قادر است به بنده ای درس نخوانده،

مانند پیامبر(صلی الله علیه و آله) قرائت و تلاوت را

بیاموزد.

از «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» دو معنا می توان دریافت:

الف) خداوند، نوشتن را به انسان آموخت و توانایی این کار بزرگ را که مبدأ تاریخ بشر، و سرچشمه علوم و فنون و تمدن هاست، در او ایجاد کرد.
ب) مراد این است که علوم و فنون و دانش ها را از این طریق به انسان آموخت.

و در واقع طبق یک تفسیر، منظور «تعلیم کتابت» است، و طبق تفسیر دیگر، مراد، علمی است که از طریق «کتابت» به انسان رسیده است.^۱

افزون بر این ها این آیات شریفه از زبان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که «امّی»، یعنی درس نخوانده بود، تراوش نمود، و آن هم در محیطی که جهل و نادانی آن را فرا گرفته بود و نویسنده ای در آن وجود نداشت، و اگر کسانی مختصر سواد خواندن و نوشتن داشتند، تعداد آنان در سراسر سرزمین «مکه» که مرکز عبادی و سیاسی و اقتصادی «حجاز» بود از بیست نفر تجاوز نمی کرد. نزول این آیات در آن محیط، بیانگر اهمیت ویژه خداوند به «علم و قلم» است.

آن روز که جنگجویان قهرمان به شمشیرهای خود سوگند یاد کنند، و آن را اسباب بزرگی و افتخار

^۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۵۸.

بشمرند، برای قلم نویسندگان همین افتخار و

سربلندی در تمام دوران جهان بس که خداوند سوگند به قلم یاد کرده است، نه به شمشیر.

آری؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن اجتماع بی قلم و پر شمشیر، جامعه ای را پی ریزی می کند که «قلم» بر «شمشیر» ترجیح دارد و نظام اجتماعی آن بر آزادی بیان و قلم و تراوش فکر و اندیشه استوار است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: سه صدا است که حجاب ها را پاره می کند و به پیشگاه با عظمت خدا می رسد: «صریر الأقلام العلماء و وطی اقدام المجاهدین و صوت مغازل المحصنات»؛^۱ صدای گردش قلم های دانشمندان به هنگام نوشتن و صدای قدم های مجاهدان در میدان جهاد و صدای چرخ نخ ریزی زنان پاک دامن».

قلم در آینه روایات

پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، این مفسران واقعی کلام وحی نیز درباره قلم سخنانی پربار به یادگار گذاشته اند که علاوه بر آن چه گذشت، برخی دیگر از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «انّ اول ما خلق الله القلم، فقال له اكتب فجری بما هو کائن الی الابد؛» به درستی که نخستین چیزی که خداوند آفرید،

^۱. به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۷۷.

، قلم بود؛ پس به او فرمان داد بنویس! و او آن چه را بوده و خواهد بود تا روز قیامت نوشت». گرچه قلم در این روایت اشاره به قلم تقدیر و قضا و قدر است، اما هر چه هست، نقش قلم را در سرنوشت بشر و مقدرات او روشن می سازد.^۱

هلال بن یسار می گوید که: دیدم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای اصحاب خود علم و حکمت بیان می کند. به او گفتم: ای رسول خدا! برای من آن چه را که به یاران خود فرمودی، تکرار کن. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا قلم و دوات همراه داری؟ گفتم: نه؛ فرمود: قلم و دوات را از خود جدا مکن، که خیر و برکت تا روز قیامت در مرکب و قلم و نویسندگان آن است.^۱

و نیز در روایتی دیگر فرمود: علم و دانش را مهار کنید. گفته شد مهار علم چگونه است؟ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: نوشتن آن.^۲

در روایتی از امام حسن (علیه السلام) نقل شده که فرزندان خود و فرزندان برادرش را فراخواند و [به آنان] فرمود: هرچند شما اکنون به عنوان افراد خردسال قوم به شمار می آید، ولی نزدیک است (و این امید وجود دارد) که در آینده از بزرگان قوم و قبیله خود شوید؛ بنابراین، بر شما لازم است که دانش را فرا گیرید؛ پس هر کس از شما نتواند آن را حفظ کند، باید آن را بنویسد و در خانه خود قرار دهد.

^۱ شرح آداب المتعلمین، خواجه نصیر، ص ۱۱۲

^۲ میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۲۴.

مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمود: «اكتب و بث علمک فی أخوانک؛^۱ علم خویش را بنویس و میان برادرانت منتشر کن.»

بزرگ ترین نمونه ارزش ما فوق تصوری که اسلام به «قلم» می دهد، آن است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در آن هنگام که همه هدفش بسیج توده ها بود و بیش از همه به «مجاهد» و «مبارز» نیاز داشت، نه به «دانشمند» و «نویسنده»، اعلام فرمود که «مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء»؛ مرکب قلم دانشمندان از خون شهیدان برتر است.

امروز تمام تمدن ها و علوم و پیشرفت هایی که در هر زمینه نصیب بشر شده است مرهون تلاش بی دریغ نویسندگان گذشته است و به راستی «مداد علماء» بر «دماء شهدا» پیشی گرفته است؛ زیرا، هم زیربنای خون شهید و هم پشتوانه آن، مرکب قلم های دانشمندان است، و سرنوشت اجتماعات بشری در درجه نخست به قلم ها بستگی دارد.

آن چه از اندیشه ها بر روی سنگ یا پوست یا کاغذ ثبت می شود، همیشه پایدار می ماند، از نسلی به نسل دیگر می رسد و از دوره ای به دوره دیگر انتقال می یابد. سنگ نبشته هایی که بر دل کوه ها یا بر روی گورها و دیوارهای معابد و مساجد نقش بسته است، هزاران سال باقی مانده و همچنان باقی خواهد ماند و با آیندگان سخن خواهد گفت. بشر از قلم و آن چه بدان نوشته می شود، سود جسته است. تورات و انجیل، اگر چه به صورت اصیل برای

^۱ همان، ص ۳۲۱.

خواهد ماند و با آیندگان سخن خواهد گفت. بشر از قلم و آن چه بدان نوشته می شود، سود جسته است. تورات و انجیل، اگر چه به صورت اصیل برای پیروان ادیان یهود و نصارا باقی نمانده است، اما هر چه هست در سایه قلم و نگارش پایدار مانده است. از همه مهم تر، قرآن کریم، آخرین و کامل ترین کتاب خدا که در پانزده سده پیش بر آخرین و برترین پیامبران وحی شده است، توسط کاتبان وحی بر ابزارهای نوشتنی آن زمان نقش بست و هم اکنون مسلمانان سراسر جهان از آن بهره می برند. نیز سخنان انبیاء عظام الهی و گفتار گهربار معصومین (علیهم السلام) به وسیله قلم نویسندگان و گویندگان به اسلامیان رسیده است. برای قلم امتیازاتی است که در بیان نیست؛ مهم ترین امتیازات قلم عبارت اند از:

الف) جاودانگی آثار قلم: سخن (بیان)، فرآر است، چنان که حفظ کردن مطالب نیز این گونه است. ولی نوشتن مطالب، موجب استقرار آن در ذهن است. از این روست که در روایات اسلامی به نوشتن تأکید شده است. چنان که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: علم و دانش را مهار کنید، گفته شد مهار علم چگونه است؟ فرمود: نوشتن آن. شده است. چنان که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: علم و دانش را مهار کنید، گفته شد مهار علم چگونه است؟ فرمود: نوشتن آن.

نکته شایان ذکر این که اگر در روایات درباره علما آمده: «العلماء باقون ما بقی الدهر»، به نظر نگارنده، مراد، علمای صاحب قلم است؛ آنان هستند که برای همیشه جاودانه می گردند و «اعیانهم مفقوده و امثالهم فی القلوب موجوده». افکار، آثار و کتب آن هاست که در دل ها می ماند. با مراجعه به تاریخ زندگی دانشمندان به ویژه در میان مسلمانان درمی یابیم که دانشمندان بزرگی وجود داشتند که در عرصه های مختلف علمی نسبت دیگران برجسته تر بودند، اما چون اهل قلم نبودند، هیچ آثاری از آن ها باقی نمانده است و با مرگ آنان زحمات چندین ساله و تمام علوم و تجربیات نافع آن ها به خاک سپرده شده است و فراموش شده اند که این خسارت بزرگی برای جوامع بشری است. ب) امتیاز دوم نوشته، «دقیق بودن» آن است. امام علی (علیه السلام) فرمود: «کتاب الرجل ابلغ من نطقه»^۱ نوشتار انسان از گفتارش رساتر است. ج) عمیق بودن: مطالب نوشته عمیق است؛ در حالی که سخن و بیان، کم محتوا است. نویسندگان گاهی ساعت ها فکر می کنند تا یک سطر بنویسند؛ ولی، در سخن، چنین دقتی نیست. از این رو، مصاحبه ها هیچ گاه ارزش اعلامیه ها ندارد. در اعلامیه ها دقت و ظرافتی به کار رفته که در سخن و بیان وجود ندارد و بر این اساس از سندیت قوی ای برخوردار است. بنابراین، «بقاء»، «دقت و ظرافت»، و «عمیق بودن» از مهم ترین امتیازات قلم (نوشته) است. آیات و روایات یاد شده هر کدام حاوی مطالب و

^۱ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۳۲.

نکات ژرف و مهمی است که نیاز به بررسی بیشتری دارند، اما در نگاهی گذرا به این جملات گرانمایه به این حقیقت پی می‌بریم که قلم و نگارش مقامی بس بلند و قداستی آسمانی دارند.

البته تمام آن چه گفته شد، درباره قلم‌هایی است که در مسیر حق و عدالت گردش می‌کنند و فضائل انسانی را پاس می‌دارند و با ریاکاری و ظلم و ستم و تمام زشتی‌ها مبارزه می‌نمایند، اما قلم‌های مسموم و گمراه‌کننده، بزرگ‌ترین بلا و عظیم‌ترین خطر برای جوامع انسانی محسوب می‌شوند؛ زیرا همان‌گونه که اصلاحات جوامع بشری از قلم‌های نویسندگان مؤمن و متعهد بر می‌خیزد، فساد و تباهی نیز از قلم‌های مسموم و فاسد است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره مسئولیت سنگین صاحبان قلم فرمود: «روز قیامت صاحب قلم و نویسنده را در تابوتی از آتش که با قفل‌های آتشین بسته شده است می‌آورند، آن‌گاه نوشته‌های او ارزیابی می‌شود اگر آن را در راه هدایت مردم به سوی خدا و خواسته او به کار گرفته باشد، وی را از جایگاه آتشین آزاد نمایند و اگر قلم را در راه معصیت و فساد و ترویج افکار انحرافی استخدام نموده باشد در آن تابوت آتشین هفتاد سال در عذاب خواهد بود».^۱ قلم‌های نویسندگان حقیقت‌گرا و فضیلت‌خواه و واقع‌بین، عامل بقای قدرت سالم در حکومت‌اند و هرگز حکومت سالم به جنگ اهل قلم نمی‌رود و در حکومت سالم شمشیر

^۱. کنز العمال، ج ۶، ص ۸۶.

نکته شایان ذکر این که اگر در روایات درباره علما آمده:

«العلماء باقون ما بقی الدهر»، به نظر نگارنده، مراد، علمای صاحب قلم است؛ آنان هستند که برای همیشه جاودانه می‌گردند و «اعیانهم مفقوده و امثالهم فی القلوب موجوده». افکار، آثار و کتب آن‌هاست که در دل‌ها می‌ماند. با مراجعه به تاریخ زندگی دانشمندان به ویژه در میان مسلمانان درمی‌یابیم که دانشمندان بزرگی وجود داشتند که در عرصه‌های مختلف علمی نسبت دیگران برجسته‌تر بودند، اما چون اهل قلم نبودند، هیچ اثری از آن‌ها باقی نمانده است و با مرگ آنان زحمات چندین ساله و تمام علوم و تجربیات نافع آن‌ها به خاک سپرده شده است و فراموش شده‌اند که این خسارت بزرگی برای جوامع بشری است.

ب) امتیاز دوم نوشته، «دقیق بودن» آن است. امام علی (علیه السلام) فرمود: «کتاب الرجل ابلیغ من نطقه»^۱ نوشتار انسان از گفتارش رساتر است.

ج) عمیق بودن: مطالب نوشته عمیق است؛ در حالی که سخن و بیان، کم محتوا است. نویسندگان گاهی ساعت‌ها فکر می‌کنند تا یک سطر بنویسند؛ ولی، در سخن،

چنین دقتی نیست. از این رو، مصاحبه‌ها هیچ‌گاه ارزش اعلامیه‌ها ندارد. در اعلامیه‌ها دقت و ظرافتی به کار رفته که در سخن و بیان وجود ندارد و بر این اساس از سندیت قوی‌ای برخوردار است.

بنابراین، «بقاء»، «دقت و ظرافت»، و «عمیق بودن» از مهم‌ترین امتیازات قلم (نوشته) است.

آیات و روایات یاد شده هر کدام حاوی مطالب و

^۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۳۲.

نکات ژرف و مهمی است که نیاز به بررسی بیشتری دارند، اما در نگاهی گذرا به این جملات گرانبمایه به این حقیقت پی می‌بریم که قلم و نگارش مقامی بس بلند و قداستی آسمانی دارند.

البته تمام آن چه گفته شد، درباره قلم‌هایی است که در مسیر حق و عدالت گردش می‌کنند و فضائل انسانی را پاس می‌دارند و با ریاکاری و ظلم و ستم و تمام زشتی‌ها مبارزه می‌نمایند، اما قلم‌های مسموم و گمراه‌کننده، بزرگ‌ترین بلا و عظیم‌ترین خطر برای جوامع انسانی محسوب می‌شوند؛ زیرا همان‌گونه که اصلاحات جوامع بشری از قلم‌های نویسندگان مؤمن و متعهد بر می‌خیزد، فساد و تباهی نیز از قلم‌های مسموم و فاسد است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره مسئولیت سنگین صاحبان قلم فرمود: «روز قیامت صاحب قلم و نویسنده را در تابوتی از آتش که با قفل‌های آتشین بسته شده است می‌آورند، آن‌گاه نوشته‌های او ارزیابی می‌شود اگر آن را در راه هدایت مردم به سوی خدا و خواسته او به کار گرفته باشد، وی را از جایگاه آتشین آزاد نمایند و اگر قلم را در راه معصیت و فساد و ترویج افکار انحرافی استخدام نموده باشد در آن تابوت آتشین هفتاد سال در

عذاب خواهد بود»^۱.

^۱. کنز العمال، ج ۶، ص ۸۶.

قلم‌های نویسندگان حقیقت‌گرا و فضیلت‌خواه و واقع‌بین، عامل بقای قدرت سالم در حکومت‌اند و هرگز حکومت سالم به جنگ اهل قلم نمی‌رود و در حکومت سالم شمشیر و سرنیزه در مقابل «قلم» قرار نمی‌گیرد؛ زیرا همین که قلم‌ها شکسته شد و زبان مردان حق گو و حق‌شناس در دستان حامیان خنیاگری قرار گرفت، به جای غلبه شرف و فضیلت، باطل و رذیلت رشد می‌کند، حق خرید و فروش می‌شود، انصاف و مروت در اختیار وقاحت و نامردی قرار می‌گیرد و دلائل و شواهد فراوان وجود دارد که چنین جوامعی را اگر کوه‌های زر و طلای بی‌غش حمایت کنند در قبال آتشفشان توفنده تاریخ یارای مقاومت نخواهد داشت و چون دودی بر هوا خواهد رفت.

مداد العلماء افضل من نساء الشهداء

منبع: <https://hawzah.net/>

انواع تحقیق

تحقیق در حقیقت، تتبعی منظم در متون علمی برای احیای اثری کهن یا خلق اثری جدید است. بنابراین، لزوماً تحقیق در معنای عرفی آن، برای حل مسئله نیست، ولی دو عنصر اساسی دارد:

۱. تتبع ۲. عرصه کاری جدید

بنابراین، صرف ترجمه یا استنساخ، تحقیق خوانده نمی شود؛ زیرا تتبعی در آن صورت نمی گیرد. باید دانست که عرصه کار جدید، عرصه نظریه ای جدید نیست. با وجود این، تصحیح را با اینکه مصحح نظر جدیدی در آن اظهار نمی کند، تحقیق می خوانند.

مسئله پژوهشی هم در پژوهش های علمی، مسئله ای است که دارای ویژگی ها و شرایط خاصی است.

مسائل شناخته شده و بسیار جزئی یا کاملاً

فردی، مسئله پژوهشی به حساب نمی آید. این

فعالیت جست و جو گرانه باید بر اساس روش علمی

منطقی استوار باشد و چارچوب، نظریه و پیش

فرض های مناسبی داشته باشد و نتایج آن را هم

بتوان در فالبی علمی ارایه کرد. تحقیق از جنبه های

گوناگون به انواعی تقسیم می شود:

۱. بنیادی کاربردی

«تحقیق بنیادی» تحقیقی است که با موضوع های

زیر بنایی در ارتباط است.

ولی «تحقیق های کاربردی»، از جمله تحقیق

هایی هستند که در پاسخ به مسائل عصری به

انجام می رسد و نتایج آن برای اصلاح امور

به کار می رود. برای نمونه، ناسخ و منسوخ

و ظاهر و باطن و اعجاز قرآن، تحقیقی

بنیادی است. اما نوگرایی، تحجر گرایی و

پاسخ به شبهه ها و مسائل مستحدثه فرهنگی

معاصر، کاربردی اند.

۲. میدانی و اسنادی

«تحقیق میدانی» روی پدیده های عینی

صورت می گیرد، حتی برای دست یابی به

مفاهیم انتزاعی نیز باید حجم نمونه آن را

روی پدیده های عینی بررسی کرد. در حالی

که «تحقیق اسنادی» بر روی متون علمی

انجام می شود

۳. درون رشته ای و میان رشته ای

بسیاری از موضوع ها به اعتبار های گوناگون، در

علوم متعددی مورد بحث قرار می گیرند. «تحقیق

درون رشته ای»، تحقیقی است که برای رسیدن به

نتایج مورد نظر، به مباحث مطرح در یک علم بسنده

می شود.

ولی در «تحقیق میان رشته ای»، باید به مباحث دو

یا چند علم مراجعه شود. براین اساس، مقایسه

قصاص در علوم فقهی و حقوق، موضوعی میان

رشته ای است. اما قصاص در فقه اسلامی، درون

رشته ای محسوب می شود.

۴. متن پژوهی، موضوع یا مسئله

پژوهی

برخی از تحقیق ها مانند: ترجمه و نقد یک اثر و یا

تصحیح و تعلیق یک نسخه خطی که برای حل یک

مسئله یا مسائل خاصی انجام نمی شوند، را می

توان «متن پژوهی» نامید. بعضی از پژوهش ها به

موضوع خاصی می پردازد مانند شفاعت یا توسل اما

برخی دیگر از تحقیق ها که برای پاسخ گویی به

سؤال های خاصی انجام می شوند، «مسئله پژوهی»

نام دارند؛ مانند اینکه بدانیم زبان قرآن ظرف چه

زبانی است؟ آیا عرفی است یا فرا عرفی؟

به این سه نوع پژوهش، متن محوری، موضوع

محوری و مسئله محوری هم گفته می شود.

۵. تحقیق معناشناسی و پدیده

شناختی

در تحقیق معناشناسی، موضوع آن معنا بررسی می

شود. معنا هم دو قسم است:

الف) معنای بسیط که عبارت است از: مفهوم یا تصور؛

ب) معنای مرکب که عبارت از قضیه یا تصدیق

است. در «تحقیق پدیده شناختی»، موضوع آن پدیده یا

رابطه دو پدیده خارجی با یکدیگر، بررسی می شود

که آیه وجود یکی، سبب وجود دیگری می

شود (تحقیق علی) و آیا اوصاف مشترکی با هم

دارند (تحقیق توصیفی) و مانند آن.

۶. تحقیق توصیفی، انتقادی و تبیینی

در «تحقیق توصیفی» پژوهشگر به گزارش دهی

اطلاعات حاصل از تحقیق می پردازد، بدون آنکه در

مورد آنها هیچ گونه اظهار نظری بکند. البته گاهی

توصیف از منظر صاحبان اقوال و انظار است و زمانی

نیز محقق از منظر یک ناظر بیرونی به اقوال می نگرد.

ولی در «تحقیق انتقادی»، محقق، علاوه بر گزارش

اطلاعات، به ارزیابی و رد و اثبات آنها می پردازد.

در تحقیق انتقادی، برای اینکه طلبه ای بتواند با

شناسایی مواضع غفلت و ایجاد هوشیاری برای تکرار

نشدن آنها، در کار خویش بهره گرفته و با فرآیند

رساله نویسی آشنا شود. شایسته است آثار تحقیقی

دیگران دیگران را بررسی و آنها را با توجه به اصول

علمی، از زوایای گوناگون نقد و ارزیابی کند.

منبع: کتاب اصول و روشهای مقاله، پایان نامه نویسی

نگاهی کوتاه به اندیشه شهید بهشتی

هفتم تیر، بهانه‌ای برای شناخت شخصیت، سیر زندگی و آثار و اندیشه‌های شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی به عنوان یکی از نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی ایران است.

هفتم تیر ۱۳۶۰ و شهادت آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی به همراه یارانش در دفتر حزب جمهوری اسلامی، در تقویم به نام یکی از تلخ‌ترین روزهای انقلاب نام گرفته است. روزی که عالمی نواندیش به شهادت رسید

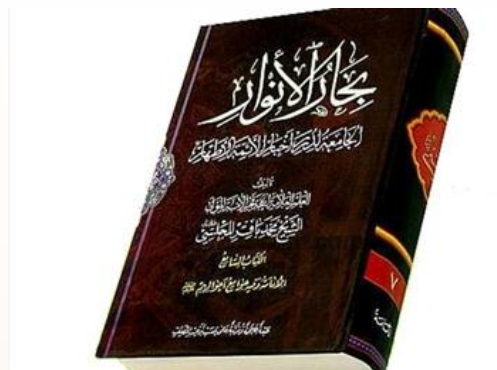
آثار و سخنرانی‌های وی در قالب کتب متعددی به چاپ رسیده است. همچنین پس از شهادت وی نویسندگان بی شماری دست به قلم برده و در خصوص زندگی مبارزاتی وی نوشته شده‌اند.

آثار شهید بهشتی

۱. سرود یکتا پرستی
۲. حق و باطل از دیدگاه قرآن
۳. پیامبری از نگاه دیگر
۴. نقش آزادی در تربیت کودکان
۵. ولایت، رهبری، روحانیت



معرفی کتاب بحار الانوار



کتاب‌های گوناگونی در دنیای کتاب‌های مذهبی و اسلامی وجود دارد که نامشان در بین سایر کتب می‌درخشد و یکی از این کتب، کتاب بحار الانوار است.

کتاب بحار الانوار، جزو کتب مرجع احادیث در تشیع محسوب می‌شود که بیشتر به موضوعات غیرفقهی در چندین جلد پرداخته است

بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار مشهور به بحار الانوار، مفصل‌ترین **مجموعه حدیثی** شیعه است که با نظارت علامه مجلسی تألیف شده است. تألیف این کتاب که مجموعه‌ای از آموزه‌ها و تعالیم شیعه است، بیش از ۳۰ سال طول کشیده و گروهی از شاگردان علامه مجلسی او را در این کار یاری کرده‌اند.

مؤلف، کتاب را بر اساس ۲۵ موضوع کلی طراحی و آن را در ۲۵ جلد جای داده است (در دوره‌های اخیر به صورت ۱۱۰ جلدی منتشر می‌شود). در هر جلد ریزموضوعات مربوط به آن را در ابواب مختلف گرد آورده است. او در هر باب، ابتدا آیات قرآنی مرتبط

با موضوع را ذکر کرده و تفسیر آن‌ها را می‌آورد و در مرحله بعد احادیث مربوط به آن باب را نقل می‌کند.

مجلسی تلاش کرده است که در بحار الانوار تمام موضوعات و مسائل موجود را پوشش دهد. برای مثال، این مجموعه با عنوان **کتاب العقل و الجهل** آغاز و با مباحث مربوط به خداشناسی و توحید، عدل الهی، و تاریخ پیامبران ادامه پیدا می‌کند. از جلد ۱۵ تا ۵۳ چاپ ۱۱۰ جلدی، به تاریخ زندگی و فضایل پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) و امامان شیعه (علیه السلام) اختصاص دارد.

بحار الانوار به خاطر ذکر مستند بیشتر روایت‌های منقول از ائمه شیعه (علیهم السلام)، باب‌بندی موضوعات، شرح و بیان بسیاری از روایات، تحقیقات گوناگون کلامی، تاریخی، فقهی، تفسیری، اخلاقی، حدیثی و لغوی، نزد محققان و پژوهشگران مقامی والا داشته است؛ چنانکه با وجود حجم زیاد، از همان روزگار تألیف، نسخه‌های خطی بسیاری از آن نوشته شده و با رواج صنعت چاپ، همه یا بخش‌هایی از آن بارها به چاپ رسیده است.

جلدهای مختلف این کتاب به صورت متفرقه به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده‌اند. معروف‌ترین ترجمه آن کتابی است با نام **مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)** که ترجمه جلد ۱۳ از چاپ ۲۵ جلدی است و به موضوع امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اختصاص دارد.

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های بحار الانوار

ذکر آیات قرآن در آغاز هر باب. جامعیت نسبت به موضوعات مختلف، ذکر رساله‌های مستقل در این مجموعه، بهره‌گیری از مصادر کم‌یاب و نسخه‌های تصحیح شده، توضیح و تفسیر احادیث.

البته تمام این‌ها بدان معنا نیست که تمام روایات موجود در این کتاب، کاملاً مورد تأیید بوده و یا نیازی به بررسی سندی و محتوایی نداشته باشند. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، به معنای دریاهای نور، در برگیرنده گوهرهای احادیث پیشوایان پاک.

این مجموعه روایی مهم‌ترین اثر علامه محمد باقر مجلسی است. این کتاب دائرة المعارف بزرگ حدیث شیعه است که تمام مسائل دینی؛ نظیر تفسیر قرآن، تاریخ، فقه، کلام و... را در بر گرفته است.

علامه مجلسی در مقدمه **بحار الانوار** درباره انگیزه تألیف آن، می‌گوید: «من از آغاز جوانی در تحصیل انواع علوم حرص و اشتیاق فراوان داشتم و به فضل الهی، بر علوم گوناگون احاطه یافتم و دامنه از خرمن دانش‌های مختلف لبریز شد... آن‌گاه در ثمرات و اهداف این علوم و در انگیزه‌های طالبان علم، برای نیل به کمال علمی اندیشه کردم و در آنچه در معاد سود رساند و باعث رشد و تعالی است درنگ نمودم و به فضل و با الهام الهی دریافتم که زلال دانش تنها در صورتی که از چشم صاف وحی و الهام و صاحبان دین جاری شده باشد سیراب کننده است؛ بدین جهت، دریافتم که تمام دانش در خدا و روایات **اهل بیت (علیهم السلام)** است و دریافتم که استنباط معنا از علوم قرآن، جز از طریق اهل بیت (علیهم و السلام) که روح الامین در خانه‌شان فرود آمد، دست‌یافتنی نیست؛ پس، پرداختن به علومی که باعث ضایع شدن زمانی از عمرم شده و اینک همچنان در روزگار ما متداول است را رها ساخته

ساخته و به آنچه که در معاد سود رساند روی آوردم؛ هر چند این دانش در روزگار ما کم‌رنگ است.

الف. امتیازات

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های بحار الانوار از این قرار است:

۱. تبویب و تنظیم:

این مجموعه از عمده‌ترین و گسترده‌ترین جوامع حدیثی شیعه است که روایات کتاب‌های حدیثی را با تبویب و نظم تقریباً کاملی جمع نموده است.

۲. ذکر آیات قرآن در آغاز و شروع هر باب:

علامه مجلسی هر باب از این مجموعه بزرگ را با آیات متناسب با عنوان آن باب آغاز کرده و پس از آن اگر این آیات احتیاج به تفسیر داشته، نظریات مفسران را نقل نموده و پس از آن روایات باب را آورده است.

۳. جامعیت بحار نسبت به موضوعات مختلف:

بررسی عناوین و **روایات** بحار نشان می‌دهد که این اثر مسائل مختلف دینی را در بر گرفته و تقریباً هیچ موضوعی از موضوعات گوناگون اسلامی (دست کم در عصر ایشان) نیست، مگر آن که علامه مجلسی بدان پرداخته و روایات آن را جمع آوری کرده است.

۴. ذکر رساله‌های مستقل در بحار الانوار:

علامه مجلسی ضمن بحث‌های خود در این اثر گاهی به کتاب‌ها یا رساله‌هایی برخورد کرده که به جهت اختصار آن رساله و شدت ارتباط موضوع آن با بحث‌های بحار، آن رساله را به صورت کامل و یک جا نقل کرده است؛ مانند **رساله امام هادی** در پاسخ به جبر و تفویض، رساله حقوق امام سجاد، توحید مفضل،

.... و

۵. بهره‌گیری از مصادر کم‌یاب و نسخه‌های

تصحیح شده:

یکی از ارزش‌های بحار این است که کتاب‌های زیادی در اختیار مجلسی بوده که برخی از آن‌ها از بین رفته و به دست ما نرسیده، از این رو، علامه برای جمع آوری مطالب این کتاب به جهت امکانات فراوانی که در اختیار داشته، بهترین و معتبرترین نسخه‌های موجود از هر کتاب را به دست آورده است. اگر علامه این روایات را در یک مجموعه جمع‌آوری نمی‌کرد، اکنون این روایات در اختیار ما نبود.

۶. توضیح و تفسیر احادیث

علامه در موارد زیادی پس از نقل روایت به شرح روایت و توضیح کلمات غریب حدیث پرداخته است. وی در تفسیر و شرح روایات از منابع مختلف لغت، فقه، تفسیر، کلام، تاریخ، اخلاق و... استفاده کرده است. این شرح‌ها یکی از امتیازات این معجم روایی است.

۷. گزارش اسناد و متون متعدد در هر موضوع:

یکی دیگر از ویژگی‌های **بحار** این است که، چون بیشتر روایات هر موضوع یک جا نقل می‌شود، برای محقق این امکان را فراهم می‌سازد که تشخیص دهد روایات این موضوع در چه درجه‌ای از اعتبار قرار دارد.

۸. آدرس از منابع مختلف برای روایات تکراری:

علامه مجلسی، روایات تکراری را از یک یا چند منبع آدرس داده و اختلافات در سندها یا متن روایات مشابه در کتاب‌های گوناگون را تذکر داده است.

ب. نقدها

یکی از مهم‌ترین هدف‌های علامه مجلسی جمع‌آوری روایات برای جلوگیری از نابودی آن‌ها بود، تا بدین وسیله میراث روایی شیعه را به نسل‌های بعدی منتقل سازد.

طبیعی است که کار به این بزرگی و با این گستردگی نقاط ضعفی هم داشته باشد.

این اثر نیز از آن جا که کار بشری است مانند دیگر افعال انسان مصون از خطا و اشتباه نیست. البته عالمان و بزرگان دینی ما هرگز این ادعا را نداشتند که کارهای آن‌ها بی عیب و نقص است!

در عین حال، برخی از عالمان وجود روایات ضعیف و غیر معتبر، و ناکافی و اشتباه بودن برخی از توضیحات علامه مجلسی را ضعف این مجموعه می‌دانند و معتقدند که بسیاری از بیانات، توضیحات و تفسیرهایی که علامه مجلسی برای احادیث نقل کرده، شتابزده نوشته شده است و این امر موجب کاهش فایده و وقوع اشتباه در این مطالب شده است.

تکرار در نقل **روایات** نیز می‌تواند یکی از ضعف‌های دیگر مجموعه بحار باشد. البته با ملاحظه عبارات علامه می‌توان فهمید که وی به خوبی متوجه تکرار روایات بوده است، ولی عوامل مختلفی، چون اختلافات موجود در سند و متن روایات و ارتباط یک حدیث با دو یا چند بحث مختلف موجب تکرار در نقل احادیث شده است.

گفتنی است که تکرار لازمه مجموعه‌هایی است که به تبویب موضوعی روایات پرداخته‌اند. همان گونه که یادآور شدیم علامه مجلسی در صدد تبویب و دسته‌بندی موضوعی روایات موجود بود و از آن جا که برخی روایات، موضوعات مختلفی را شامل می‌شوند، مؤلف ناچار است به منظور فرار از تکرار چنین روایاتی، یا باید آن‌ها را تقطیع نموده و هر بخش را ذیل عناوین مناسب ذکر کند و یا روایت را به صورت کامل در ذیل هر عنوان تکرار نماید؛ امری که به حجیم‌تر شدن کتاب و ملالت خواننده منجر خواهد شد. علامه مجلسی به خوبی می‌دانست که اگر روایت را تقطیع کند، چه بسا صدر روایت دارای قرینه‌ای برای ذیل آن یا بالعکس باشد، در نتیجه با تقطیع، چنین قرآنی از دست خواهد رفت.

از این رو، علامه در بسیاری از موارد همه روایت را در یک باب نقل کرده و در باب دیگر تنها همان قسمتی را آورده که مربوط به آن باب است، و با تذکر این نکته که همه حدیث در فلان باب نقل شده است، مشکل از بین رفتن قرائن را برطرف ساخته است.

فهرست بحار الانوار

موضوعات مطرح شده در بحار الانوار به ترتیب مجلدات آن به شرح زیر می باشد:

جلد اول: این جلد مشتمل بر ۴۰ باب شامل کتاب

عقل و جهل، فضیلت علم و علما و طبقات آنها، حجیت اخبار و قواعدی که از آنها استخراج می شود، نکوهش قیاس با مقدمه مفصل درباره مصادر **کتاب** و توفیق مصادر و مطالب سودمند می باشد.

جلد دوم: مشتمل بر ۳۱ باب شامل کتاب توحید و صفات خداوند و اسماء حسناى ذات الهی، توحید مفصل، رساله اهلیلیجه.

جلد سوم: مشتمل بر ۵۹ باب شامل کتاب عدل، مشیت، اراده، قضا، قدر، هدایت، ضلالت، امتحان، طینت، میثاق، توبه علل احکام، مقدمات مرگ و موخرات آن.

جلد چهارم: کتاب احتجاجات و مناظرات در ۸۳ باب و تمام کتاب، اما علی بن جعفر علیه السلام می باشد.

جلد پنجم: احوال پیامبران و سرگذشت آنها در ۸۲ باب است.

جلد ششم: این جلد مشتمل بر ۷۲ باب، شامل احوال پیغمبر اکرم و جمعی از پدران آن حضرت، شرح حقیقت معجزه و چگونگی اعجاز قرآن، شرح حال ابوذر، سلمان، عمار، مقداد و برخی دیگر از بزرگان.

جلد هشتم: فتنه‌هایی که بعد از پیغمبر روی داد،

سیرت خلفا و آنچه در روزگار آنها اتفاق افتاد، جنگ جمل، جنگ صفین، جنگ نهروان، غارتگری معاویه از اطراف عراق، احوال بعضی از اصحاب امیرالمومنین، شرح قسمتی از اشعار منسوب به آن حضرت و شرح برخی از نامه‌های آن وجود مقدس در ۶۲ باب.

جلد نهم: احوال امیرالمومنین از ولادت تا شهادت، سرگذشت ابوطالب پدر آن حضرت و ایمان او و گروهی از اصحاب امیرالمومنین و روایات وارده در امامت امامان دوازده گانه در ۱۲۸ باب.

جلد دهم: احوال حضرت فاطمه علی‌ها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، خروج مختار و خون خواهی از قتل کربلا در ۵۰ باب.

جلد یازدهم: احوال ائمه چهارگانه بعد از امام حسین یعنی **امام** زین العابدین علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، امام موسی کاظم علیه السلام و جماعتی از اصحاب و فرزندان آنها در ۴۶ باب.

جلد دوازدهم: شرح حال چهار امام قبل از امام منتظر یعنی امام رضا علیه السلام، **امام محمد تقی** علیه السلام، امام علی النقی علیه السلام، امام حسن عسگری علیه السلام. شرح حال بعضی از اصحاب آنها در ۳۹ باب.

جلد سیزدهم: احوال **حجت منتظر عجل الله**

تعالی فرجه در ۳۶ باب.

جلد چهاردهم: آسمان و جهان (سماء و عالم) پیدایش آنها، اجزاء آنها مانند فلکیات، فرشتگان، جن، انسان، حیوان، عناصر، صید. طریق کشتار حیوانات، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و تمام کتاب طب النبوی و کتاب طب الرضا در ۲۱۰ باب.

جلد پانزدهم: ایمان و کفر در سه بخش: ایمان و شرط

آن و صفات مومنین و فضل آنها و فضل شیعه و اوصاف

آنها. دوم: اخلاق حسنه و آنچه موجب نجات آدم از

مهالک دنیاست. سوم: کفر و شعب آن و اخلاق رزیده که

جمعا در ۱۰۸ باب آورده شده است.

جلد شانزدهم: در آداب و سنن، زینت‌ها و تجملات،

نظافت، سرمه کشیدن، استعمال عطریات، شب زنده

داری، خواب، سفر، منهیات و گناهان کبیره در ۱۳۱

باب.

جلد هفدهم: مواظظ و حکم در باب ۷۳ باب.

جلد هجدهم: در دو بخش: طهارت که مشتمل بر

شش باب است؛ و بخش دوم: صلاة در صد و شصت و

یک باب بعلاوه رساله «ازاحه العلة» شازان بن جبرئیل

قمی.

جلد نوزدهم: نیز در دو بخش: فضایل قرآن و آداب آن

و ثواب و اعجاز آن. همچنین تمام تفسیر نعمانی در ۱۳۰

باب. بخش دوم: درباره ذکر و انواع آن و آداب دعا و

شروط آن، حرزها، دعا برای دردها، صحیفه ادریس و ...

در ۱۳۱ باب.

جلد بیستم: زکات، خمس، صدقه، نماز، اعتکاف، اعمال

سال در ۱۲۲ باب.

جلد بیستم: زکات، خمس، صدقه، نماز، اعتکاف، اعمال

سال در ۱۲۲ باب.

جلد بیست و یکم: حج، عمره، احوال شهر مدینه و ...

در ۸۴ باب.

جلد بیست و دوم: زیارت‌هایی که از ائمه معصومین

نقل شده است در ۶۴ باب.

جلد بیست و سوم: عقود و ایقاعات در ۱۳۰ باب.

جلد بیست و چهارم: احکام شرعی تا کتاب دیات در

۴۸ باب.

جلد بیست و پنجم: اجازات و تمام فهرست شیخ

منتخب الدین رازی، منتخب کتاب "سلافة العصر" سید

علیخان شیرازی، اوایل کتاب اجازات سید بن طاووس،

اجازه کبیره علامه حلی برای "بنی زهره" و اجازه شهید

اول و دوم و ... آن.

منبع:

<https://www.yjc.ir>

عنوان از منابع کافی و قابل دسترس برخوردار باشد. (کتابخانه های حقیقی یا مجازی

راهکار های انتخاب موضوع

الف. راهکار های عمومی انتخاب موضوع

۱. تقویت حس کنجکاوی و غلبه بر پیش فرضها و الگوی های ذهنی (با کلمه چرا)
۲. مشورت با ساتید و استفاده از تجربه کارشناسان
۳. بررسی پژوهش های قبلی در موضوعات کلی و کشف نقاط ابهام
۴. مطالعه مقالات و پایان نامه های مرتبط
۵. مطالعه سرفصلها و جزئیات دروس در رشته های هدف
۶. توجه به فراخوان ها ، کنفرانس ها، همایش های مجامع عمومی

ب. راهکار های تخصصی انتخاب موضوع

۱. کشف گرایش علمی (عمومی و تخصصی)
۲. کشف زیر شاخه ها و ریز موضوعات گرایش تخصصی پژوهشگر
۳. مطالعه اکتشافی



نکات مفید جهت انتخاب موضوع مقاله

نخستین مشکلی که بسیاری از پژوهشگران مبتدی پژوهش با آن روبرو می شوند مشکل انتخاب مساله مناسب برای پژوهش است. اغلب نمی دانند مساله پژوهشی مناسب باید دارای چه ویژگی هایی باشد و یا چگونه موضوع پژوهشی خود را انتخاب نمایند. در ذیل به ویژگی و نحوه انتخاب موضوع اشاره خواهد شد.

معیار های انتخاب موضوع

۱. توجه به اهمیت و اولویت پژوهش (نیاز های روز جامعه)
۲. رسایی و شفافیت موضوع
۳. توجه به علاقه محقق
۴. در حد توان علمی محقق
۵. قلمرو موضوع باید روشن و متناسب با حجم مقاله باشد.

فعالیت ها پژوهشی سال تحصیلی ۹۸-۹۹



نشست علمی: نقش انتخاب اصلح در ارتقاء
توان دیپلماتی نظام اسلامی



همایش دختران امروز مادران فردا



نشست راهکارهای گسترش مصادیق نشاط در
جامعه



میزگرد انتظارات امام عصر (عج) از
حوزه های علمیه



ميلاد حضرت معصومه

حضرت فاطمه معصومه (عليها السلام) در اولين روز ماه ذی القعدة سال ۱۷۳ هـ ق، ۲۵ سال بعد از تولد حضرت امام رضا (عليه السلام) در شهر مدینه منوره چشم به جهان گشود.

از میان فرزندان بزرگوار حضرت امام موسی بن جعفر (عليه السلام)، دو فرزند ایشان یعنی حضرت امام علی بن موسی الرضا (عليه السلام) و حضرت فاطمه کبری (عليها السلام) ملقب به معصومه، از ویژگی‌های خاص برخوردار بوده‌اند تا ادامه‌دهنده‌ی خط امامت بعد از پدر باشند.

آن حضرت به همراه امام رضا (عليه السلام) هر دو در دامان پاک مادر بزرگوار به نام حضرت نجمه خاتون (سلام الله علیها) که از مهاجران مغرب بود، رشد و پرورش یافته‌اند. این در حالی است که پدر بزرگوارشان پیوسته در زندان هارون الرشید به سر می‌بردند و سرانجام در همان زندان، هنگامی که حضرت معصومه (سلام الله علیها) در سن ده سالگی بود، به شهادت رسیدند و از آن زمان به بعد حضرت معصومه (سلام الله علیها) تحت مراقبت برادرش امام رضا (عليه السلام) قرار گرفت.

حضرت معصومه (سلام الله علیها)، معصوم به معنایی که در مورد پیامبران و امامان به کار می‌رود نبوده، اما ایشان دارای طهارت روح و کمالات معنوی بالایی بودند، به گونه‌ای که به زائرانش وعده بهشت داده شده است.

امام رضا (عليه السلام) نیز در مورد پاداش زیارت خواهر بزرگوارشان حضرت معصومه (سلام الله

عليها) اینچنین می‌فرماید:

«مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ هر کس او را در حالی زیارت کند که به حق او آگاه باشد، بهشت پاداش اوست»^۱.

پیشگویی تولد حضرت معصومه (سلام الله علیها):

از اموری که به روشنی بیانگر جایگاه رفیع حضرت معصومه (سلام الله علیها) می‌باشد، این است که امام صادق (عليه السلام) قبل از ولادت او و حتی قبل از ولادت پدر او، از ایشان یاد کرده است.

این پیشگویی، بیانگر آن است که این بانوی خاندان نبوت، از امتیازات و ویژگی‌های عمیق و ارجمندی برخوردار بوده است و در سطح بالایی از شخصیت و ارزش‌های انسانی و ملکوتی قرار داشته به عنوان مثال نقل شده

۱. بحار الانوار جلد ۹۹، صفحه ۲۶۶

است که امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند:

«وَسْتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةً مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ،

فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ و به زودی در قم بانویی از

فرزندان من به نام فاطمه دفن شود، پس هر کس او را

زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود»^۲

در ادامه این روایت آمده: امام صادق (علیه السلام) این سخن را قبل از ولادت امام کاظم (علیه السلام) فرمودند. بنابراین با توجه به اینکه امام کاظم (علیه السلام) در سال ۱۲۸ هجری قمری متولد شده‌اند، و تولد حضرت معصومه (سلام الله علیها) در سال ۱۷۳ رخ داده، نتیجه می‌گیریم که امام صادق (علیه السلام) این پیشگویی را ۴۵ سال قبل از تولد حضرت معصومه (سلام الله علیها) فرموده است.

شفاعت تمام شیعیان:

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام)، آن امام بزرگوار در خلال پیشگویی از تولد حضرت معصومه (سلام الله علیها)، به این نکته اشاره می‌نمایند که جایگاه و درجه‌ی معنوی این بانوی گرامی در مرتبه‌ای است که می‌تواند تمام شیعیان را در روز قیامت شفاعت نماید.

«تُقَبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي اسْمُهَا فَاطِمَةٌ بِنْتُ مُوسَى وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛

در آن شهر (قم) زنی از نسل فرزندان من رحلت خواهد نمود که نامش فاطمه دختر موسی می‌باشد و به (واسطه‌ی) شفاعت او تمام شیعیان من وارد بهشت خواهند شد»^۳

آری؛ حضرت رضا (علیه السلام) نیز به ما یاد داده که در زیارت خواهر بزرگوارشان چنین بخوانیم:

«يَا فَاطِمَةَ اِشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ؛

ای فاطمه معصومه! در مورد رفتن به بهشت، مرا شفاعت کن، چرا که در پیشگاه خداوند، دارای مقام و منزلتی بس ارجمند هستی»^۴

۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۳. همان، ص ۲۲۸.

۴. همان، ج ۹۹، ص ۲۶۸.

با توجه به این نکته که امام معصوم مبالغه نمی‌کند و کلامش عین حقیقت است، می‌توان نتیجه گرفت که حضرت معصومه (سلام الله علیها) حقیقتاً در شأن و مقامی می‌باشند که در باب شفاعت مؤمنین گنهکار محدودیتی نداشته و شفاعت ایشان درباره تمام اهل بهشت پذیرفته می‌شود.

حرم تمام ائمه معصومین (ع)

در روایتی ارزشمند از امام صادق (علیه السلام) اینچنین نقل شده است:

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةَ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةُ

وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةُ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ

هُوَ بَلْدَةُ قُمٍ؛ همانا خداوند متعال حرمی دارد که شهر مکه

است، و رسول خدا حرمی دارد که شهر مدینه است و امیر

المؤمنین حرمی دارد که شهر کوفه است و ما (اهل بیت) نیز

حرمی داریم که شهر قم است.»^۵

در این حدیث از این مکان‌ها به «حرم» تعبیر شده است که

در آن معانی و مفاهیم مخصوصی نهفته است. حرم جای

مقدسی است که در آن گران‌بهاترین سرمایه‌ها را قرار

می‌دهند و مرکز اسرار محسوب می‌شود. بنابراین همان

احترامی که خانه خدا دارد، در مراحل پایین‌تر برای سرزمین

قم وجود دارد. یعنی مرکز اسرار اهل بیت عصمت و طهارت و

مرکز علوم آل محمد (علیهم السلام) است.

قرینه‌ی دیگر بر این مطلب در مقایسه نمودن زیارتنامه

حضرت معصومه (سلام الله علیها) که از ناحیه‌ی امام معصوم

وارد شده، با زیارتنامه دیگر ائمه به دست می‌آید، چرا که در

زیارتنامه تمام ائمه، به همان معصوم سلام داده می‌شود، اما

در زیارتنامه حضرت معصومه (سلام الله علیها)، به صورت

مستقیم به تمام چهارده معصوم و حتی انبیاء اولوالعزم سلام

داده شده و سپس خدمت حضرت معصومه (سلام الله علیها)

سلام و تحیت می‌دهیم. این مطلب، خود دلیلی بر آن است

که حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها) حرم تمام پیامبران

و امامان (علیهم السلام) نیز می‌باشد.

۵. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.



در سرزمین ایران امام زادگان جلیل القدر فراوانی به خاک سپرده شده است، از جمله ی این سادات گران قدر جناب **احمد بن موسی بن جعفر** ملقب به شاهچراغ و معروف به سید السادات الاعاظم، از اولاد امام موسی کاظم(علیه السلام) است که مادر ایشان ام احمد نام داشت.^۱ ایشان از جمله امامزادگان معروفی است که در زمان خلافت مأمون به سمت ایران سفر کرد و با متوجه شدن خبر شهادت امام رضا(علیه السلام)، در حوالی شیراز ماند و در همان جا نیز به فیض عظمای شهادت نایل شد.

جایگاه و منزلت احمد بن موسی بن

جعفر(شاهچراغ)

۱. مورد عنایت و محبت امام معصوم

منابع اسلامی از احمد بن موسی بن جعفر به بزرگی، تقوا، دیانت و ژرف اندیشی یاد کرده اند به طوری شیخ مفید در توصیف و منزلت ایشان این چنین یاد کرده است: و احمد بن موسی مردی کریم و بزرگوار و پارسا بوده، و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام او را دوست داشت و مقدم می داشت، و مزرعه خود که معروف بود به بسیره را به او بخشید، و گفته‌اند: **احمد بن موسی** رضی الله عنه در زمان خود هزار بنده آزاد کرد. معصوم(علیه السلام) بوده است.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۴۸، ص ۳۰۸.

۲. بصیرت و ولایت مداری

از آنچه در کتب تاریخی در احوالات احمد بن موسی نقل شده به خوبی می توان بصیرت، آگاهی و ولایت مداری جناب شاه چراغ را اثبات کرد، شتافتن برای دیدار امام معصوم از مدینه به طوس آن هم با مشقت و سختی به خوبی گواه بر محبت و عشق ایشان به مقام ولایت است. در نقل این مسافرت آمده است:

احمد بن موسی همراه با کاروانی عظیم که جمعیت آن تا پانزده هزار گزارش شده است به ایران مهاجرت کرد.^۲ البته در برخی نقل ها این تعداد کمتر گزارش شده است. در توصیف ولایت مداری و بصیرت ایشان همین بس که شیفته جاه و مقام و منزلت دنیوی نبود، به طوری که بعد از شهادت پدر بزرگوار خود در حالی که عده ای این چنین می پنداشتند که او به خاطر دیانت، پارسایی و دانش جانشین پدر خواهد بود، مردم و دوستان خود را بیعت با امام علی بن موسی الرضا(علیه السلام) دعوت می کنند و امام واجب الطاعه را ایشان می خوانند.

برخی کتب تاریخی همچون ملل و نحل در خصوص این واقعه به این مطلب اشاره کرده اند: چون خبر شهادت امام موسی کاظم(علیه السلام) در شهر پیچید مردم بر در خانه «ام احمد» گرد آمدند و حضرت سید میر احمد را به مسجد بردند زیرا از نظر جلالت و قدر و شخصیتی بارز و مطلع بر عبادت و طاعت و نشر شریعت و احکام داشت و همچنین صاحب کرامت و کارهای خارق العاده بود، مردم این چنین می پنداشتند که پس از امام موسی بن جعفر(علیه السلام) امام بحق و خلیفه مسلمین فرزندش احمد است، ولی ایشان با روشنگری و برطرف کردن شبهات به همه اعلام داشتند که من خودم در بیعت برادرم(علی بن موسی) هستم بدانید بعد پدرم برادرم علی بن موسی(علیه السلام) امام و خلیفه بحق و ولی خداست، از این رو بر من و بر شما واجب است.

۲. مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۴۴. «وَ كَانَ أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى كَرِيمًا جَلِيلًا وَرِعًا وَ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع يُجِئُهُ وَ يُقَدِّمُهُ»

ولی ایشان با روشنگری و برطرف کردن شبهات به همه اعلام داشتند که من خودم در بیعت برادرم (علی بن موسی) هستم بدانید بعد پدرم برادرم علی بن موسی (علیه السلام) امام و خلیفه بحق و ولی خداست، از این رو بر من و بر شما واجب است که امر آن امام را اطاعت کنیم، و به هر چه او امر می کند گردن نهیم، ایشان در آن مجلس به بیان فضایل و مناقب امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می پردازند و مردم را منقاد و مطیع امام می نمایند.^۳ سپس همگان با علی بن موسی (علیه السلام) بیعت کردند و امام رضا (علیه السلام) در حق برادرش دعا کرد.^۴

۳. شجاعت و دلیرمردی و شهادت

از جمله اوصاف و فضایل اخلاقی و دینی ایشان شجاعت و دلیرمردی است، شجاعتی که در نهایت موجب می شود در مسیر دفاع از مقام ولایت و امامت به مقام شامخ شهادت نایل آید، برخی کتب شرح ماجرای شهادت ایشان را این چنین نقل کرده اند: زمانی که مأمون (لعنت الله علیه) خلیفه عباسی حضرت علی بن موسی (علیه السلام) را به خراسان طلبید، جناب احمد بن موسی جهت دیدار و ملاقات برادر و امام خود با جمعی از امام زادگان و محبان خاندان عصمت و طهارت راهی طوس می شوند، در نزدیکی شیرازی خبر شهادت امام به جناب احمد بن موسی می رسد، از طرفی مأمون نیز که از حرکت امام زادگان به قصد خراسان اطلاع می یابد به جمیع احکام و عمل خود از جمله «قَتْلُ خان»، حاکم شیراز دستور می دهد که هر کجا بنی فاطمه و اولاد پیغمبر را یافتند به قتل برسانند^۵ و این ملعون نیز در هشت فرسخی شیراز مانع حرکت امام زادگان می شود.^۶

حضرت احمد بن موسی که وضع را این چنین می بیند، متوجه می شوند که راهی برای بازگشت وجود ندارد، به یاران و همراهان خود این چنین اطلاع می دهد که هدف این لشکر ریختن خود فرزندان علی بن ابی طالب است هر کس از شما مایل است می تواند به مدینه برگردد و جان خود را از این مهلکه نجات دهد ولی من چاره ای جز جهاد با این اشرار ندارم.^۷

کرامتی از شاه چراغ

سید نعمت الله جزایری در یکی از کتب خوب به نام انوار نعمانیه در احوال مؤلف می نویسد: مدت نه سال در شیراز بودم، به قدری در این مدت از گرسنگی و دیگر مشکلات رنج و دشواری بر من وارد شد که کسی جز خدای متعال در این مدت بر آن واقف نبود آنچه در یاد دارم چهارشنبه یا پنج شنبه بود در حالی که از خوردنی جز آب در اختیار نداشتم با همین وضع به سر بردم تا شب جمعه فرا رسید از شدت گرسنگی و کثرت رنج و تعب گویا مانند اینکه دنیا به دور سرم می چرخید و همه جهان در چشمم تیره و تاریک شده بود، در چنین شرایطی که داشتم به روضه مطهره حضرت احمد بن موسی مشرف می شدم خطاب به ایشان عرض کردم من مهمان شما هستم تو به حال من واقف هستی در همین شرح ماجرا بودم که مرد سیدی مرا به اطعام خود دعوت کرد، و بدون آنکه سخنی به او گفته و چیزی از وی طلب کنم قوت آن شب را داده و از رنج گرسنگی نجاتم داد سپس خدای متعال را به جای آن شکر کردم.^۸

۷. دو رساله در حالات و کرامات حضرت شاه چراغ (ع)، دکتر

محمد یوسف نیری، ص ۹۳.

۸. همان، ص ۱۸۷.

منبع:

<https://rasekhoon.net/>

۳. دو رساله در حالات و کرامات حضرت شاه چراغ (ع)، دکتر

محمد یوسف نیری، ص ۹۱، به نقل از ملل و نحلل شهرستانی.

۴. بحرالعلوم، تحفه العالم، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۲۷.

۵. دو رساله در حالات و کرامات حضرت شاه چراغ (ع)، دکتر

محمد یوسف نیری، ص ۹۳.

۶. سلطان الواعظین، شبهای پیشاور، ۱۳۷۹ش، ص ۱۱۷.



امام رضا (ع) نمونه فضیلت و کرامت

دریای کرم

«یسع بن حمزه» می گوید: در مجلس امام رضا (علیه السلام) مشغول گفتم و گو بودیم که مردی وارد شد و گفت: سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا! من مردی از دوستان شما هستم. اکنون از زیارت خانه خدا بازگشته ام و چیزی که بتوانم با آن خود را به خانه برسانم ندارم. مرا به دیارم بفرست، من دارای نعمت و دولت هستم و مستحق صدقه نیستم. آنچه به من ببخشی از سوی شما صدقه خواهیم داد. امام (علیه السلام) از او خواست بنشیند بعد از پایان جلسه حضرت به خانه رفت و لحظاتی بعد در را بست؛ سپس دستش را از بالای در بیرون آورد و پرسید آن مرد خراسانی کجاست؟ مرد پاسخ داد: این جا هستیم. امام (علیه السلام) فرمود: این دویست دینار را بگیر و با آن هزینه سفر را تأمین کن. یکی از یاران حضرت پرسید: فدایت شوم به او مهربانی کردی و چهره پنهان ساختی؟!

حضرت فرمود: چون نیازش را برآوردم، نخواستم خواری خواهش را در چهره اش ببینم. آیا این حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را نشنیده ای که فرمود: کار نیکی که پنهان انجام شود، برابر هفتاد حج است.

کرامات رضوی

معجزات و کرامات حضرت رضا (علیه السلام) بسیار زیاد است، به طوری که شیخ حرّ عاملی می نویسد: «معجزات امام رضا (علیه السلام) از حدّ تواتر تجاوز کرده است.» بنابراین چه بسیار انسان هایی هستند که با تشرّف به بارگاه ملکوتی آن امام همام (علیه السلام) از دریای بی کران کرامتش بهره و نصیبی برده اند. شیخ صدوق می گوید: وقتی رکن الدوله، یکی از وزرای حکومت آل بویه را از رفتن به زیارت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) با خبر ساختیم، به من گفت: مرقد آن امام (علیه السلام) را بارها زیارت کرده ام و حاجت های زیادی از ایشان گرفته ام. هنگامی که به آن جا رفتی برای من دعا کن و به جای من زیارت نما که در آن مکان دعا اجابت می شود.

«ابومنصور عبدالرزاق» وقتی فهمید که حاکم توس (معروف به بیوردی) فرزندی ندارد، به او گفت: چرا به زیارت امام رضا (علیه السلام) نمی روی تا در آن جا از خداوند فرزندی طلب کنی؟ من بارها در آن جا حوائجی از خداوند خواسته ام و خداوند حاجتم را به برکت آن امام بزرگوار بر آورده نموده است. حاکم توس می گوید: نزد امام رضا (علیه السلام) رفتم و از خداوند حاجتم را خواستم. خداوند فرزند پسری به من عطا کرد.

منبع: <https://hawzah.net/>

ارزش و جایگاه دختران در اسلام

یکی از موضوعات مهم اجتماعی امروز جایگاه و نقش دختر در عرصه خانواده و اجتماع است. وقتی کمی دقت کنیم هنوز هستند انسانهای که جاهلانه پسر را بر دختر ترجیح می دهند و به تعبیر قران کریم با شنیدن نام دختر چهره آنان عبوس می شوند که به همین جهت به تندی مخاطب خدای سبحان قرار می گیرند.

این تلقی که ریشه تاریخی دارند ناشی از جهل آنان و یکی از مصادیق جاهلیت مدرن است. با سیری در منابع اسلامی می توان فهمید که دختر در اندیشه اسلامی چه جایگاه والایی داشته و دارد.

در اندیشه اسلامی دختر از انچنان جایگاهی برخوردار است که پیامبر اسلام در مهمترین مسائل اجتماعی آنان را وارد می سازد در قضیه مباحله دختر خویش را همراه خورد برد در حالی که در آن زمان اعراب دختران را زنده به گور می کردند. هم چنانکه خدای سبحان در چندین آیه از قران کریم بر عدم تفاوت بین دختر و پسر اشاره می کند. آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام بر این عدم تفاوت تصریح دارد:

«وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸۴) وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ۸۵.»

در این آیات خدای سبحان حضرت عیسی (علیه السلام) فرزند حضرت مریم (سلام الله علیها) را از فرزندان حضرت ابراهیم (علیه السلام) می شمارد که خود اشاره به آن است که در اندیشه اسلامی هیچ تفاوتی میان فرزندان دختر و پسر نیست. این در حالی است که در آن زمان تنها فرزندان پسری را از نوادگان و فرزندان خویش بر می شمردند و فرزندان دختری خویش را فرزندان دیگران و پدران دیگر می شمردند. خدای سبحان در آیات ۳۵ و ۳۶ سوره آل عمران مستقیماً خودش نام دختر را انتخاب می کند و تنها نامی است که خدای سبحان انتخاب کرده برای یک دختر.

اذ قالت امرات عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محرراً فتقبل منی انک انت السميع العليم (۳۵) فلما وضعتها قالت رب انی وضعتها انثی و اللہ اعلم بما وضعت و لیس الذکر کالانثی و انی سميتها مریم و انی اعیذاها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم (۳۶)»

در تعبیر بسیار جالب دیگری خداوند در آیه ۴۹ سوره شوری از دختر به عنوان هدیه استفاده می کند و انسانها باید از این هدیه خداوند خوشحال شوند. بدیهی است این تعبیر بهترین تعبیر ممکن برای دختر است، همچنانکه برای پسر چنین تعبیری بکار نرفته است. در ادبیات معصومین (علیهم السلام) هم چنین ادبیاتی متداول است. هم چنانکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در تعبیری از دختران به باقیات صالحات تعبیر می شود.

با این حال نقش تعیین کننده زن در بقاء و رشد جامعه بشری همیشه مورد توجه مثبت و منفی اندیشمندان، سیاستمداران، مدیران و رهبران جوامع بوده است. تاریخ، گویای این واقعیت است که زن در کنار مرد در تمدن بشری - مستقیم و غیر مستقیم - نقش آفرین بوده است، ولی از دیرزمان و با انگیزه های مختلف از حقوق الهی و انسانی خود محروم گردیده است. تاریخ، این حقیقت را در سینه خود ثبت کرده است که پیامبران و اولیای الهی در احقاق حقوق و هم در ایفای نقش سالم و سازنده زنان، برترین جریان سازی و هدایت را داشته اند.

دختر؛ هدیه الهی

در سیره امامان معصوم (ع) نیز اگر کسی از داشتن فرزند دختر احساس ناخشنودی می کرد، آن بزرگواران با آنان برخورد می کردند و سعی داشتند تا رسوبات جاهلی را از ذهن آنان پاک کنند. در حدیثی چنین نقل شده که فردی از یاران امام جعفر صادق (ع) دختردار شد، حضرت نزد او رفت، دید خشمگین است، فرمود: "اگر خداوند به تو وحی کند که آیا می خواهی چیزی را من برای تو انتخاب کنم یا تو برای خودت انتخاب می کنی؟ چه پاسخ می دهی؟" آن مرد گفت: به خدا عرض می کنم: آنچه را تو برایم بیسندی و انتخاب کنی، می پسندم.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: "اکنون خداوند فرزند دختر را برای تو انتخاب کرده است." سپس فرمود: "آن عالم و ولیّ خدا (خضر علیه السلام) که همراه موسی (علیه السلام) بود و آن پسر بچه را کشت، خداوند از قول او فرمود: ما آن پسر را کشتیم چراکه بیم آن بود پدر و مادرش را به طغیان و کفر وادارد، از این رو خواستیم پروردگارشان به جای او فرزندی پاک تر و با محبت تر به آن پدر و مادر بدهد." امام صادق (علیه السلام) در ادامه فرمود: خداوند به آن دو، دختری عنایت کرد که از او و نسل وی هفتاد پیامبر به دنیا آمدند. در فرهنگ اهل بیت (علیه السلام) که ریشه در وحی و کلام الهی (قرآن) دارد، زنان و دختران از جایگاه خاصی برخوردارند. تعابیر زیبا و بلندی که برای دختران به کار گرفته شده است، حاکی از این موضوع است. در سخنان معصومان علیهم السلام از دختران با واژه هایی چون: ریحانه (گل)، قواریز (بلورها)، و حسنه (نیکی) یاد شده است؛ که هر یک، نشان از امتیاز و ویژگی خاص طبیعی و روحی دختران دارد. در اینجا به برخی از سخنان معصومان علیهم السلام اشاره می کنیم:

روایات در باب دختری

مستحب است انسان، در صورتی که از دختر داشتن محروم است، دست نیاز به جانب حق بردارد، و برای دختردار شدن با حال اخلاص به درگاه حق دعا کند و بنالد. ابراهیم خلیل آن پیامبر بزرگ با داشتن فرزندی چون اسماعیل و اسحاق به درگاه حق جهت دختردار شدن نالید. امام صادق (علیه السلام) دعای او را بدین صورت نقل می کند: **إِنَّ إِبْرَاهِيمَ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ ابْنَةً تَبْكِيهِ وَ تَنْدُبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.** از حضرت حق درخواست دختر کرد تا حداقل پس از مرگش گریه کننده و ناله کننده و خلاصه مجلس گرم کن و یادآور داشته باشد.

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: **يَغْمُ الْوَلَدُ الْبَنَاتِ، مَلْطِفَاتٍ، مُجَهَّزَاتٍ مُؤْنَسَاتٍ، مُبَارَكَاتٍ، مُفْلِيَّاتٍ.** دختران چه خوبند، مهربان و نرمخو، مددکار و آماده به کار، انیس انسان، بابرکت، و علاقه مند به پاکیزگی.

منبع: <https://www.mehrnews.com/>





نمایشگاه دهه فجر



اربعین سردار



فعالیت‌های جهادی مدرسه





کارها و اقدامات فرهنگی
همچون شمشیر دو دم است، اگر
همراه با محتوای خوب باشد،
بستر اصلاح جامعه خواهد بود
اما اگر با محتوای نامناسب باشد،
بستر گسترش نابسامانی و گری
خواهد شد.

امام خامنه ای - ۱۳۹۲/۱۰/۲۳

امام علی علیه السلام
میان خطها فاصله بگزار و حرفها را نزدیک هم بنویس؛
زیرا این کار باعث زیبایی خط می شود

میان خطها فاصله بگزار و حرفها را نزدیک هم بنویس؛
زیرا این کار باعث زیبایی خط می شود



قسمتی از حکمت ۳۱۵ نهج البلاغه

حوزه علمیه حضرت زینب(س) - استان خوزستان

ایمیل: mail.whc.ir

آدرس وبلاگ مدرسه: <https://omidieh.kowsarblog.ir/>